

عربی دوازدهم

۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



«الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ.»

فَ «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش شکار است و نوشتن بند؛ پس دانش را با نوشتن به بند آورید.

تهیه و تدوین
مهندس حسین خلیلی

(عَنْ كِتَابِ «أَنَا» لِعَبَّاسِ مَحْمُودِ الْعَقَّادِ، بِتَصَرُّفٍ)
(از کتاب "من" از عباس محمود عقاد، با دخل و تصرف)

إِنَّ الْكُتُبَ طَعَامُ الْفِكْرِ، وَ لِكُلِّ فِكْرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعَمَةً لِكُلِّ جِسْمٍ. وَ مِنْ مَزَايَا

قطعا كتاب‌ها خوراك فكر و اندیشه هستند، و برای هر فكري خوراكی هست، همانطور كه برای هر جسمی خوراك‌هایی یافت می‌شود. و از ویژگی‌های مثبت

الْجِسْمِ الْقَوِيَّ أَنَّهُ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ، وَ كَذَلِكَ الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ

جسم قوی آن است كه خوراك مناسب را برای خودش جذب می‌كند، و این‌چنین انسان عاقل می‌تواند كه

يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضِعٍ، وَ إِنَّ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكُتُبِ كَالْتَّحْدِيدِ فِي

خوراك فكري در همهی موضوعات پیدا كند، و قطعا محدود كردن انتخاب كتاب‌ها مانند محدود كردن

اخْتِيَارِ الطَّعَامِ، كِلَاهُمَا لَا يَكُونُ إِلَّا لِطِفْلِ أَوْ مَرِيضٍ. إِذَا كَانَ لَكَ فِكْرٌ قَادِرٌ تَسْتَطِيعُ

انتخاب خوراك است، هر دو آنها (محدود كردن انتخاب كتاب و غذا) برای بیمار یا كودك است. زمانیکه فكر توانمندی داری كه می‌توانی

بِهِ أَنْ تَفْهَمَ مَا تَقْرَأُ؛ فَاقْرَأْ مَا تُحِبُّ مِنَ الْكُتُبِ؛ فَالْتَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنِ الْكُتُبِ؛ لِأَنَّ

به كمك آن بفهمی آنچه را كه می‌خوانی، پس بخوان از كتاب‌ها هرچه را كه می‌پسندی. تجربه‌ها ما را از كتاب‌ها بی‌نیاز نمی‌كند، زیرا

الْكَتُبُ تَجَارِبُ الْأُمَّمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السِّنِينَ، وَ لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِبَةُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ

كتاب‌ها تجربه‌های مردم در طی هزاران سال است و ممكن نیست كه تجربه‌ی يك نفر بیش از

أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السِّنِينَ.

ده‌ها سال شود.

وَلَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكْرَرَةً؛ لِأَنِّي أَعْتَقِدُ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْوَاحِدَةَ إِذَا طَرَحَهَا أَلْفٌ
و گمان نمی‌کنم که کتاب‌های تکراری وجود داشته باشند، زیرا معتقدم زمانی که یک فکر یکسان از طرف هزار

کاتب، أَصْبَحَتْ أَلْفُ فِكْرَةٍ. وَ لِهَذَا أُرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ فِي الْمَوْضُوعِ الْوَاحِدِ آراءَ عِدَّةٍ
نویسنده مطرح می‌شود، تبدیل می‌شود به هزار ایده و فکر. به همین دلیل می‌خواهم که در یک موضوع یکسان
نظریه‌های تعداد زیادی

كُتَابٍ؛ لِأَنَّ هَذَا الْعَمَلَ أَمْتَعٌ وَ أَنْفَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ، فَمَثَلًا أَقْرَأُ
نویسنده را بخوانم؛ زیرا این عمل لذت‌بخش‌تر و سودمندتر از خواندن موضوعات مختلف است، پس مثلاً

فِي حَيَاةِ «نَابِلْيُون» آراءَ ثَلَاثِينَ كَاتِبًا، وَ أَنَا وَاثِقٌ أَنَّ كُلَّ كَاتِبٍ قَدْ وَصَفَ نَابِلْيُون
در مورد زندگی ناپلئون نظر 30 نویسنده را می‌خوانم، و مطمئن هستم که هر نویسنده‌ای ناپلئون را به ویژگی‌هایی
وصف کرده است

بِأَوْصَافٍ لَا تُشْبِهُ أَوْصَافَ الْكُتَّابِ الْآخَرِينَ.
که به ویژگی‌های (مورد اشاره‌ی) دیگر نویسندگان شبیه نیست.

فَرَبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ بِفَائِدَةٍ، وَ رَبَّ كِتَابٍ
چه بسا کتابی که خواننده در خواندنش تلاش کرده باشد و سپس فایده‌ای برای او نداشته باشد و چه بسا کتابی

يَتَصَفَّحُهُ قَارِئُهُ؛ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي آرَائِهِ. أَمَّا الْكِتَابُ الْمُفِيدُ
که خواننده‌اش آن را ورق زده باشد و (آن کتاب) در خواننده تاثیر عمیقی گذاشته باشد بطوریکه (آن تاثیر) در
نظریه‌هایش ظاهر شود. اما کتاب سودمند

فَهُوَ الَّذِي يَزِيدُ مَعْرِفَتَكَ فِي الْحَيَاةِ وَ قُوَّتَكَ عَلَى الْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ، فَإِذَا وَجَدْتَ
آن است که شناخت تو را از زندگی و توانایی‌ات را در فهم و عمل افزایش می‌دهد پس زمانیکه یافتی

ذَلِكَ فِي كِتَابٍ، كَانَ جَدِيرًا بِالْعِنَايَةِ وَ التَّقْدِيرِ.
آن (ویژگی‌ها) را در کتابی، آن (کتاب) شایسته توجه و ستایش است.

الْعَقَّادُ أَدِيبٌ وَ صَحْفِيُّ وَ مُفَكِّرٌ وَ شَاعِرٌ مِصْرِيٌّ؛ أُمُّهُ مِنْ أَصْلِ كُرْدِيٍّ. فَكَانَ الْعَقَّادُ
عقاد نویسنده، روزنامه‌نگار، متفکر و شاعری مصری است، مادرش اصالتاً کرد است و عقاد

لا يَرَى الْجَمَالَ إِلَّا الْحُرِّيَّةَ؛ وَ لِهَذَا لَا نُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطَ عَلَى رَغْمِ ظُرُوفِهِ الْقَاسِيَةِ.
زیبایی را فقط در آزادی می‌دید. و به همین دلیل علی‌رغم شرایط دشوار در زندگی‌اش چیزی جز فعالیت نمی‌بینیم.

يُقَالُ إِنَّهُ قَرَأَ آلَافَ الْكُتُبِ. وَ هُوَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. فَقَدْ أَضَافَ إِلَى
گفته می‌شود که او هزاران کتاب خواند. و او از مهم‌ترین نویسندگان در مصر است.

الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ.
و به کتابخانه‌ی عربی بیش از 100 کتاب در زمینه‌های مختلف افزوده است.

مَا دَرَسَ الْعَقَادُ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ، لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةٍ ثَانَوِيَّةٍ فِي مُحَافَظَةِ
عقاد فقط در سطح اولیه (ابتدایی) درس خواند، به دلیل نبود مدرسه متوسطه در استان

أَسْوَانَ الَّتِي وُلِدَ وَ نَشَأَ فِيهَا. وَ مَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ
اسوان که در آن به دنیا آمد و رشد کرد. و خانواده‌اش نمی‌توانست که او را برای تکمیل تحصیلاتش به قاهره بفرستد.

دِرَاسَتِهِ. فَمَا اعْتَمَدَ الْعَقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ. فَقَدْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السُّيَاحِ الَّذِينَ
پس عقاد فقط به خودش اعتماد کرد (چیزی جز اعتماد به نفس نداشت). انگلیسی را آموخته بود از گردشگرانی که

كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ لِمِيزَارَةِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
برای دیدن آثار تاریخی به مصر می‌آمدند.

x ✓



أ. عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

.....
1- دَرَسَ الْعَقَادُ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ وَ حَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ مِنْهَا.

.....
2- رُبَّ كِتَابٍ تَجْتَهِدُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا تَحْصُلُ عَلَى فَايِدَةٍ مِنْهُ.

.....
3- الْكُتُبُ تَجَارِبُ آلَافِ الْعُلَمَاءِ عَلَى مَرِّ السَّنِينَ.

.....
4- تَحْدِيدُ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ نَافِعٌ فِي رَأْيِ الْكَاتِبِ.

.....
5- يَعْتَقِدُ الْعَقَادُ أَنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْحُرِّيَّةِ.

.....
6- لَا طَعَامَ لِفِكْرِ الْإِنْسَانِ.